

بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی عضو تعاونی‌های روستایی زنان در شمال استان تهران

میرزا حسن حسینی^۱، مهین دولتی^{۲*}، مهدیه پرپنجی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی در شمال استان تهران انجام گرفت. جامعه آماری را ۱۱۸ نفر از اعضای تعاونی‌های روستایی زنان در شمال استان تهران تشکیل دادند که به روش سرشماری بررسی شدند. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه صورت گرفت. روایی ابزار پژوهش (پرسش‌نامه) با بهره‌گیری از نظر ده نفر از استادان دانشگاه پیام نور تهران و متخصصان مربوط بررسی و تأیید شد و پایایی آن نیز با محاسبه میزان ضریب آلفای کرونباخ تعیین شد که مقدار آن در قسمت‌های مختلف پرسش‌نامه بالاتر از ۰/۸۱۲ محاسبه شد. یافته‌های پژوهش نشان داد رابطه معناداری میان عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی - مالی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - قانونی با موفقیت کارآفرینی زنان روستایی وجود دارد که از بین این عوامل بیشترین تأثیر در موفقیت کارآفرینی زنان روستایی مورد تحقیق، مربوط به عوامل اقتصادی - مالی است. واژه‌های کلیدی: زنان، کارآفرینی، کارآفرینی روستایی، تعاونی‌های روستایی زنان، عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی، شمال استان تهران

۱. استاد گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران

۲. دانشجوی دکتری کارآفرینی آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

Lssi.training@gmail.com

* نویسنده مسؤل

۳. دانشجوی دکتری کارآفرینی آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

مقدمه

زنان، به عنوان بخشی از پیکر جامعه، همواره نقش تأثیر گذاری در توسعه جوامع داشته‌اند. زنان در کشورهای توسعه یافته در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، از محوریت برخوردارند، چرا که نتایج برنامه‌ریزی برای زنان در مسیر تقویت ذهنی و غنای بنیان‌های آموزشی آنان می‌تواند در نهایت موجب رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع شود. در این زمینه، تجربیات بسیاری قابل بیان است و نتایج متفاوتی از تحقیقات انجام شده می‌توان به دست آورد (آقا رفیعی و وزیریهشی، ۱۳۹۴).

حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، به ویژه عرصه‌های مدیریتی، یکی از چالش‌های روبه‌فرونی دهه‌های اخیر جامعه ایرانی بوده است. هدف از مشارکت سیاسی زنان، حضور فعال آنان در کلیه امور سیاسی کشورهاست؛ به عبارت دیگر، آنچه در دنیای جدید برجستگی دارد، توجه به حضور فعال زنان در ساختار سیاسی اعم از دولت و جامعه است؛ چه آن دسته از نهادهایی که برنامه توسعه‌ای بلندمدت برای کشورها تدوین می‌کنند، چه مراجعی که قرار است این برنامه‌ها را تصویب و به قانون تبدیل کنند و چه نهادهایی که قرار است در اجرای برنامه نقش ایفا نمایند. حذف زنان از این مبادی به معنی نادیده گرفتن تقاضا و نیاز نیمی از پیکره اجتماع است و در چنین وضعیتی، اولین پیامد و مشکل اساسی چشمگیر، عدم رشد و توسعه متوازن در آن جوامع است (منصوری، ۱۳۹۴).

توجه به جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه اهمیت کلیدی دارد و مشارکت آنان در عرصه‌های گوناگون از شاخص‌های مهم توسعه انسانی به شمار می‌آید. نادیده گرفتن زنان روند توسعه جامعه را کند می‌کند و تعادل را به هم می‌زند. در واقع، برای تحقق توسعه انسانی متعادل توجه به جایگاه زنان در فرایند توسعه کشور و تأمین مطالباتشان در برنامه‌های توسعه‌ای ضروری است. اگرچه زنان در مناصب رده‌های میانی مدیریت ایفای نقش می‌کنند، برای انتصاب در مشاغل مهم و رده‌بالا با موانعی روبه‌رو هستند (نوروزی و زمانی، ۱۳۹۴).

زنان حتی بخش قابل توجهی از جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند، اما تنها قسمت ناچیزی از درآمد جهان را کسب می‌کنند و فقط یک درصد از دارایی‌های جهان متعلق به آنهاست (فقیری

و همکاران، ۱۳۹۳). نقش زنان روستایی در تحقق اهداف توسعه روستایی انکارناپذیر است. زنان، به عنوان یکی از عوامل غیرمشهود در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی در سطح جهان را تشکیل می‌دهند (خباززاده، ۱۳۹۰). کارآفرینی زنان روستایی ضمن افزایش درآمد خانواده، به واسطه کاهش تفاوت و شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی، صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید محصولات زراعی و دامی، بهبود وضعیت سواد و بهداشت خانواده، تأمین هزینه‌های خانوار به عنوان سرپرست و کاهش مهاجرت به شهرها می‌تواند زندگی روستایی و در نهایت کل جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، شناسایی استعدادها و کارآفرینی روستاییان، به ویژه زنان روستایی، و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن اهمیت ویژه‌ای دارد (میرترابی و حجازی، ۱۳۹۰).

امروزه حضور زنان در بازار کار و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به یکی از شاخص‌های مهم توسعه اقتصادی مبدل شده است؛ زیرا فعالیت‌های اقتصادی زنان رابطه مستقیمی با فقر و رفاه اجتماعی دارد. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب ایجاد سود اقتصادی می‌شود بلکه منافع اجتماعی فرهنگی ایجاد می‌کند. به همین جهت، در برنامه‌های توسعه تلاش می‌شود تا علاوه بر افزایش مشارکت زنان در بازار کار، شرایط لازم برای توسعه و کارآفرینی زنان نیز فراهم گردد تا آنان با ایجاد کسب و کار و فرصت شغلی برای خود و دیگران بتوانند کاستی‌های کنونی جامعه را پایان بخشند. عملکرد کارآفرینانه زنان در رشد تولید، فروش، افزایش سرمایه و قدرت رقابتی صادرات به توسعه اقتصادی جامعه کمک می‌کند (اخوان، ۱۳۸۷، به نقل از حمایتی کلش، ۱۳۸۹).

در کل، اشتغال و ارتقای روحیه کارآفرینی در زنان روستایی واقعیتی انکارناپذیر و از جمله راهکارهای مؤثر و مهمی می‌باشد که آثار آن در بلندمدت مشهود و نمایان می‌شود به این صورت که اشتغال و درآمدزایی با ایجاد توانمندی‌های اقتصادی - اجتماعی در زنان روستایی، باعث ایفای نقش مؤثر آنان در تمامی عرصه‌های زندگی می‌شود. از سویی، در مناطق روستایی، زنان نقشی به

مراتب بیشتر از مردان در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی و فعالیت های درون منزل به عهده دارند و موجب رونق اقتصادی جامعه هستند.

عوامل متعددی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی تأثیرگذارند که می‌توانند زمینه مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و خصوصاً کارآفرینی را فراهم کنند و نوعی هویت و استقلال به آنان بخشند و انگیزه بیشتر این نیروهای عظیم را در چرخه های تولیدی اقتصادی موجب شوند.

با وجود اهمیت و ضرورت توجه به کارآفرینی زنان روستایی، اما به این موضوع کمتر پرداخته شده و توسعه کارآفرینی زنان روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هنوز زنان روستایی جایگاه خود را به عنوان شهروندان فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه های اقتصادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست نیاورده‌اند و کماکان فعالیتهای این قشر در عرصه های پیش گفته مد نظر قرار نمی‌گیرد و از آنان به عنوان نیروی کار نامشهود یاد می‌شود. با توجه به مطالب یادشده و نقش چشمگیر زنان در فعالیتهای اقتصادی، کارآفرینی و اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی مناطق روستایی، پژوهش در مورد کارآفرینی زنان روستایی از اهمیتی خاص برخوردار است. بر همین اساس، پژوهش حاضر در صدد است که عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال استان تهران را بررسی نماید و همچنین تأثیر این عوامل را در ارتقای توسعه و روحیه کارآفرینی و بهبود وضعیت اقتصادی آنان بسنجد.

پیشینه پژوهش

مطالعات زیادی در خصوص عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی انجام شده است که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) عوامل اثرگذار در توسعه کارآفرینی زنان را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند عوامل اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی وایدئولوژیکی و تغییرات سیاسی - قانونی در افزایش یا کاهش نقش اجتماعی زنان تأثیر دارد. همچنین سن، وضعیت تأهل، درجه

تحصیلات و امکانات شغلی از جمله علل و عواملی است که به شدت در کاهش یا افزایش اشتغال زنان دخالت دارند.

یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی" به بررسی تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی بر سطح کارآفرینی زنان روستایی پرداختند و به این نتیجه رسیدند رابطه معناداری بین ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت اقتصادی و شرایط اجتماعی - فرهنگی زنان با سطح کارآفرینی آنها وجود دارد و بین وضعیت خانوادگی و سطح کارآفرینی رابطه معناداری وجود ندارد.

راسخی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی نقش شایستگی‌ها و عوامل محیطی بر موفقیت کارآفرینان روستایی شهرستان کرمانشاه» نشان دادند که متغیرهای، محیط و سابقه فعالیت بر موفقیت کارآفرینان روستایی تأثیر گذارند. سازماندهی و رهبری، فرصت و روابط از مهم‌ترین شایستگی‌های مؤثر بر موفقیت هستند. متغیر محیط در رابطه بین و موفقیت، نقش تعدیل کننده را ایفا می‌کند. همچنین با افزایش سابقه کارآفرینان، تجربه آنها افزایش می‌یابد و در حین اداره کسب و کار به مهارت‌ها و توانایی‌های مختلفی دست می‌یابند. بنابراین، با توسعه شایستگی‌های کارآفرینان طی سال‌های فعالیت، احتمال دستیابی آنها به موفقیت در کسب و کار خویش افزایش می‌یابد.

طباطبایی و جعفری (Tabatabaei & Jafari, 2013) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر منابع اطلاعاتی بر روحیه کارآفرینی زنان، مطالعه موردی: شهر زابل کشور ایران" با تجزیه و تحلیل همبستگی متغیرهای منابع اطلاعاتی (مانند کلاس‌های یادگیری و رسانه‌های جمعی) و توسعه روحیه کارآفرینی نشان دادند بین متغیر منابع اطلاعاتی و توسعه روحیه کارآفرینی زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

عبدی (Abdi, 2014) در تحقیق خود با عنوان "عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت کارآفرینی در شهر ماندر، بخش مرکزی ماندر، کشور کنیا"، به این نتیجه رسید عوامل فردی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و عوامل امنیتی بر مشارکت زنان در فعالیت کارآفرینی تأثیر دارد.

توسی و همکاران (Toosi et al., 2015)، در تحقیقی با عنوان "کارآفرینی روستایی و تعیین عوامل مؤثر بر آن، مطالعه موردی: روستاهای شهرستان مینودشت" پس از بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت کارآفرینی روستایی و طبقه‌بندی کردن روستاییان بر اساس نمره وضعیت کارآفرینی‌شان به چهار دسته "روستاییان سنتی، نسبتاً سنتی، تغییرپذیر، صلاحیت‌دار و پیشرو" به این نتیجه رسیدند که متغیرهای ریسک‌پذیری، میزان درآمد از شغل اصلی، سطح دانش نسبت به کارآفرینی و سطح سواد، در مقایسه با دیگر متغیرها، قادر به پیش بینی سطح کارآفرینی روستاییان "شهرستان مینودشت" هستند.

یاداو و اونی (Yadav & Unni, 2016) چالش‌های زنان کارآفرین در کشورهای توسعه یافته‌ای مانند هند را بررسی کردند. آنها در مطالعه خود مطرح کردند که زنان کارآفرین نسبت به هم‌تایان مرد خود، چالش‌های بزرگ‌تری دارند و این چالش‌ها برای زنان کشورهای توسعه یافته منحصر به فرد و پیچیده است. آنها دریافتند که زنان در کشورهای درحال توسعه برای دستیابی به منابع مالی تلاش می‌کنند و اعتماد به نفس و تجربه کمی دارند. همچنین در کشورهای درحال توسعه، تحصیلات کارآفرینی در سطح پایین می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

کارآفرینی فرایندی است که توسط آن افراد بدون در نظر گرفتن منابع موجود خود فرصت‌ها را دنبال می‌کنند. جوهره رفتار کارآفرینی شناسایی فرصت‌ها و به عمل درآوردن آنهاست. فعالیت‌های لازم در این راه توسط یک فرد یا گروه انجام می‌شود و نیازمند خلاقیت، علاقه و اشتیاق برای خطر کردن است. (Bruce et al., 2011).

به طور کلی، کارآفرینی رویکرد مهمی برای توسعه پایدار به شمار می‌آید و در این میان تقویت کارآفرینی روستایی به منظور تغییر الگوی زندگی کنونی، کاهش شکاف بین شهر و روستا و ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی و محیطی، راهکاری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در متون کسب

وکار، از کارآفرینی به عنوان بازسازماندهی و بازآرایش ساختار اقتصاد روستا نام برده می‌شود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸).

عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی

۱. عوامل فردی

جنینگز (به نقل از یداللهی فارسی، ۱۳۹۵) در میان ویژگی‌های کارآفرینان، تمرکز خود را روی ویژگی " مرکز کنترل درونی " قرار داد . باورهای فرد را نسبت به اینکه وی تحت کنترل وقایع خارجی می باشد یا داخلی، مرکز کنترل درونی می‌نامند. بیشتر کارآفرینان را دارای مرکز کنترل درونی توصیف کرده اند. افراد با مرکز کنترل بیرونی معتقدند که وقایع خارجی (که خارج از کنترل آنهاست) سرنوشت آنها را تعیین می‌کند. هر وقت شخصی بازخوردی را مشاهده نماید که به طور کامل ناشی از عملکرد وی نباشد، پیامد آن را به بخت یا اقبال نسبت می‌دهد و آن را تحت کنترل دیگران می‌داند و یا اصولاً به علت پیچیدگی فراوان نیروهای محیطی آن را پیش‌بینی ناپذیر تصور می‌نماید.

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که نقش عوامل فردی در توسعه کسب و کار زنان ایرانی از سایر عوامل مؤثرتر است. همچنین مهم ترین انگیزه ها و اهداف زنان در کسب و کار، رضایت شغلی و کسب اعتبار و قدرت در جامعه و مهم ترین ویژگی آن توفیق طلبی و خلاقیت است (گلرد، ۱۳۸۴).

به طور کلی، بر اساس مطالعات انجام شده، شناسایی ویژگی‌های فردی کارآفرینی در تقویت و توسعه کارآفرینی بین سایر افراد جامعه مهم است. از طرفی، این ویژگی‌ها در برگیرنده طیف گسترده ای است که با عملکرد کارآفرینانه ارتباط دارد (یعقوبی فرانی و سلیمانی، ۱۳۹۴).

روش‌های متعددی در تحقیقات جهت درک بهتر کارآفرینی مطرح شده است که کوراتکو و هوجت (به نقل از Boz & Ergenel, 2007) آنها را در دو موضوع اصلی طبقه‌بندی کردند: رویکردهای کلان و رویکردهای خرد. عوامل فردی و به ویژه شخصیت به عنوان یک ویژگی خرد

کارآفرینی ارزیابی می گردد. تحقیقات مرتبط با شخصیت کارآفرینان نشان می دهد که آنها ریسک پذیر، مبتکر، مسئولیت پذیر و دارای مهارت های ارتباطی خوبی هستند.

۲. عوامل خانوادگی

شرایط و ویژگی های نظام خانواده و نحوه تأثیر آن بر تمایلات و رفتارهای کارآفرینانه از دیگر عواملی است که مورد توجه محققان زیادی قرار گرفته است. این موضوع به ویژه برای کارآفرینی زنان، با توجه به تأثیرپذیری بیشتر کسب و کارهای آنها از شرایط و ویژگی های خانوادگی، اهمیت بیشتری دارد.

بر اساس نظریه بایگرو (به نقل از یعقوبی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۳)، تصمیم گیری یا فقدان تصمیم گیری برای ورود به کسب و کار و تعقیب ایده کارآفرینی به عواملی نظیر شرایط کودکی، وضعیت نظام خانواده، دوستان و الگوی نقش و وضعیت اقتصادی تجارب قبلی بستگی دارد.

زیرساخت ها و قلمرو های تسهیل کننده کارآفرینی نقش مهمی در توسعه قابلیت های کارآفرینی دارند. از جمله قلمروهای تسهیل کارآفرینی شرایط خانوادگی، نظام آموزشی، شرایط جامعه، ساختار دولت، قوانین و مقررات و حمایت های اجتماعی را می توان ذکر نمود (سلطانی، ۱۳۹۵).

از نظر راموناکی زکریا (به نقل از یداللهی فارسی، ۱۳۹۵) خانواده ها فعالیت های کارآفرینانه را از طریق ارزش ها و آرزوها تحت تأثیر قرار می دهند. آنها باید مهارت های کارآفرینی را در نسل ها تقویت کنند تا به هدفشان یعنی خلق میراث ماندگار خانوادگی دست یابند. از طرف دیگر، مهارت های کارآفرینی نیاز دارد تا بفهمد منابع خانوادگی چگونه می تواند به کار انداخته شود و حضور خانواده چگونه می تواند بر نوع بنگاه تأسیسی اثر گذارد و چگونه عملکرد بنگاه آغاز می شود. بسیار واضح و قابل درک است که در بطن یک مدل نظام یافته کسب و کار خانوادگی، خانواده و کسب و کار را نمی توان از هم مجزا کرد.

۳. عوامل فرهنگی و اجتماعی

عوامل فرهنگی در دو بُعد رسمی و غیر رسمی، طرز تلقی و نگرش هر جامعه را از فعالیت های اقتصادی زنان آن کشور نشان می دهد. نتایج بیانگر آن است که در کشور ما فرهنگ رسمی به ویژه در بخش آموزش جامعه و آموزش های رسمی، در سال های اخیر نقش قابل توجهی در توسعه کسب و کار و کارآفرینی زنان داشته اند. اما فرهنگ غیر رسمی ما نه تنها امکان رشد کسب و کار را برای زنان ایرانی فراهم نمی سازد، بلکه مانع جدی برای آنان محسوب می شود؛ به عنوان مثال، حفظ نهاد خانواده یکی از مهم ترین دغدغه های زنان کارآفرین است. بر همین اساس، مسئولیت نگهداری و تربیت فرزندان و انجام وظایف خانه همواره بر عهده زنان می باشد. ایجاد تعادل بین زندگی کاری و خانوادگی از مهارت های خاص زنان محسوب می شود (حیدری مکرر و سارانی، ۱۳۹۴).

نحوه توزیع خدمات و امکانات اجتماعی در مناطق روستایی بی تردید یکی از شاخص های مطمئن تحلیل کارایی نظام توسعه روستایی در کشور به شمار می رود که می تواند تبیین روشنی از عملکرد نظام روستایی در حوزه های مختلف ارائه کند؛ چرا که برخوردار نبودن از امکانات و توسعه نیافتگی اجتماعی می تواند به معضل فقر (مهم ترین عامل آسیب پذیری) منجر شود و فقر، تبعیض و شکاف طبقاتی میان طبقات جامعه، به عنوان پدیده ای ناشی از توسعه نامتجانس، معلول بسیاری از معضلات و ناهنجاری های اجتماعی قلمداد می شود (زارعی، ۱۳۹۵).

۴. عوامل اقتصادی و مالی

بر اساس اصول و نظریه های توسعه پایدار، یکی از ابعاد بسیار مهم توسعه پایدار روستایی، توسعه اقتصادی در کنار و هم پوشی با توسعه اجتماعی و زیست محیطی است. یکی از راهکارهای توسعه پایدار روستایی، توسعه کارآفرینی در میان روستاییان است. امروزه برنامه ریزان دریافته اند که مناسب ترین راهبرد پاسخگویی به چالش های عمده در مناطق روستایی، به ویژه در بُعد اقتصادی، تشویق روستاییان به رویکرد کارآفرینی است. متنوع سازی اقتصاد روستایی تنها با القا از بیرون محقق نمی شود مگر اینکه کارآفرینان محیط های روستایی، خود فرصت ها و منابع بالقوه و

بالفعل را بشناسند و با استفاده بهینه از آنها تنوع اشتغال و اقتصاد را برای محیط‌های روستایی به ارمغان آورند. با این حال، باید توجه کرد همه روستاها دارای وضعیت یکسان در توسعه کارآفرینی نمی‌باشند و برخی از آنها دارای شرایط بهتری جهت کارآفرینی بوده و از این حیث، برای فعالیت‌های کارآفرینانه در اولویت می‌باشند (نجفی کانی، حسام و آشور، ۱۳۹۴).

به اعتقاد برخی از اندیشمندان، متغیرهای اجتماعی-اقتصادی عبارت‌اند از: سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی خودخواسته یا دیگرخواسته، وجهه شغلی، مالکیت خانه و اموال فیزیکی دیگری که می‌تواند بر مشارکت داوطلبانه افراد در فعالیت‌ها تأثیر به‌سزایی داشته باشد. (ردی و همکاران ۱۹۷۳، به نقل از روشن نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

استیون نیل کاپلان (به نقل از یداللهی فارسی، ۱۳۹۵) حل مشکلات اقتصادی را در خود کارآفرینان می‌بیند و معتقد است هر قدر فرد کارآفرین از لحاظ مالی به خودش متکی و از قدرت تحمل بالایی برخوردار باشد، احتمال موفقیت کسب و کار ایجاد شده به وسیله وی بالاست. او تأمین سرمایه شروع به کار بنگاه و سرمایه در گردش را در خود فرد، خانواده، دوستان و افرادی می‌داند که خودشان تمایلی به راه اندازی کسب و کار ندارند و بیشتر به مشارکت و سرمایه گذاری به صورت مشترک گرایش دارند.

۵. عوامل سیاسی و قانونی

در عصر حاضر، دولت‌ها کارآفرینی را به عنوان راهبرد توسعه ملی پذیرفته و اقدامات بسیاری برای توسعه آن انجام داده‌اند. در کشور ما نیز حمایت از کارآفرینی محور سیاست‌های دولت قرار گرفته و در قوانین توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه ویژه‌ای به آن شده است (رفعتی، ۱۳۹۵).

کارآفرینان تنها تحت تأثیر شبکه‌های پیرامونشان نیستند، بلکه هنجارها و ارزش‌های موجود در نهادها، که توسط بازیگران سایر شبکه‌ها و در زمان‌های دیگری ایجاد شده‌اند و کارآفرینان در ایجاد آنها نقش زیادی نداشته‌اند (مانند قوانین یا هنجارهای معامله در بازار) نیز بر ایشان تأثیرگذار است (هیوویتاکر و همکاران، ۱۳۹۳).

در مجموع می توان گفت کارآفرینی، فرایند یا مفهومی است که در طی آن فرد کارآفرین با ایده های نو و خلاق و شناسایی فرصت های جدید، با بسیج منابع، به ایجاد شرکت های نو و سازمان های جدید و نوآور مبادرت می ورزد. این فرایند فعالیتی توأم با پذیرش خطرات است، ولی اغلب منجر به معرفی محصول یا ارائه خدمت به جامعه می شود. بنابراین، کارآفرینان عوامل تغییرند که گاهی موجب پیشرفت های حیرت انگیز شده اند (احمدپورداریانی، به نقل از حسینی و دولتی، ۱۳۹۶).

امروزه این مسئله پذیرفته شده است که کارآفرینی به رشد اقتصادی کمک چشمگیری می کند. کارآفرینی مسئول خلق سازمان ها، محصولات، خدمات، مشاغل و فرصت های جدیدی برای فعالیت های اقتصادی تکمیلی است و نیز رابطه تبادلی بین کارآفرینی، رشد اقتصادی و ابتکار وجود دارد. گفتنی است کارآفرینی در دوران بحران مشکلات اقتصادی، کاری بس دشوار است (Markatou, 2015).

در دهه گذشته، مباحث متعددی درباره عملکرد کارآفرینان زن، روش های مدیریتی آنها و شبکه های مؤثر در بین این قشر از کارآفرینان صورت گرفته و مجموعه ویژگی های شخصیتی، تجربه کاری، تحصیلات، مهارت مدیریتی و عوامل سوق دهنده زنان به سمت کارآفرینی و نیز چالش ها و مسائل رو در روی آنها از اهمیت بالایی برخوردار شده است. این بخش، اطلاعاتی را برای سیاست گذاران و انجمن های زنانی عرضه می کند که علل ترک کار از سوی زنان را شناسایی کرده و بنابراین امکان پرورش مؤثرتر و حمایت از این زنان را فراهم می کند. بدون این حمایت ها و پشتیبانی ها، اقدامات در زنان کارآفرین موفق در تمام بخش های اقتصادی مبهم خواهد بود. با پشتیبانی و حمایت قوی از زنان کارآفرین، پتانسیل آنها افزایش خواهد یافت، بنابراین به اقتصاد کشور و اقتصاد جهانی کمک می گردد (Siri Roland et al., 2012).

با توجه به مطالب یادشده، مدل مفهومی تحقیق حاضر در زیر ارائه می شود:



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق (مأخذ: یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳، و، قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲)

براساس مطالب پیش گفته، فرضیه های تحقیق عبارت اند از:

۱. عوامل فردی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال استان تهران تأثیر دارد.
۲. عوامل خانوادگی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال استان تهران تأثیر دارد.
۳. عوامل اقتصادی - مالی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال استان تهران تأثیر دارد.
۴. عوامل اجتماعی - فرهنگی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال استان تهران تأثیر دارد.

۵. عوامل سیاسی - قانونی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال استان تهران تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ تجزیه و تحلیل داده‌ها، کمی بوده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش پیمایشی صورت گرفته است. در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. ابتدا با استفاده از آمار توصیفی از وضعیت و ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان با استفاده از نرم افزار SPSS22 آگاهی حاصل شد و در ادامه برای بررسی و آزمون فرضیه‌ها و بررسی روابط علی متغیرهای موجود در تحقیق از مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار pls (با توجه به تعداد حجم نمونه که کمتر از ۱۵۰ می باشد) استفاده گردید. جامعه آماری ۱۱۸ نفر از اعضای تعاونی‌های روستایی زنان در شمال استان تهران بودند که به روش سرشماری بررسی شدند. این پژوهش در سال ۱۳۹۶ به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام گرفت.

روایی یا اعتبار پرسش‌نامه

برای بررسی روایی پرسش‌نامه با توجه به استاندارد بودن پرسش‌نامه‌ها از روایی محتوایی استفاده شد. بدین منظور پرسش‌نامه در اختیار ده نفر از استادان دانشگاه پیام نور تهران و متخصصان مربوطه قرار گرفت و تأیید گردید.

پایایی پرسش‌نامه

الف) روش بازآزمایی: به این منظور، ابتدا پرسش‌نامه طراحی شده بر روی یک گروه ۳۰ نفری و سپس یک گروه ۲۰ نفری به صورت آزمایشی اجرا شد و مقدار همبستگی محاسبه گردید. مقدار همبستگی به ترتیب برابر با ۰/۷۸۴ و ۰/۷۳۸ به دست آمد که مقدار قابل قبولی است.

ب) روش آلفای کرونباخ: روش دیگری که برای سنجش و برآورد پرسش‌نامه از آن استفاده شد، محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بود. مقدار کلی این ضریب برابر با ۰/۸۱۲ محاسبه شد که مقدار قابل قبولی است.

ضرایب آلفای کرونباخ برای تک تک عوامل مورد بررسی تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. علائم اختصاری، ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE برای مؤلفه‌های تحقیق

| شاخص | علامت اختصاری | آلفای کرونباخ | پایایی ترکیبی | AVE | IND | FAM | EFF | SCF | PLF |
|-----------------------|---------------|---------------|---------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| عوامل فردی | IND | ۰/۹۴۴ | ۰/۹۵۱ | ۰/۵۶۷ | ۰/۷۵۳ | | | | |
| عوامل خانوادگی | FAM | ۰/۹۵۴ | ۰/۹۶۱ | ۰/۷۳۲ | ۰/۵۳۹ | ۰/۸۵۶ | | | |
| عوامل اقتصادی- مالی | EFF | ۰/۹۳۵ | ۰/۹۴۷ | ۰/۶۹۲ | ۰/۵۷۴ | ۰/۳۹۶ | ۰/۸۳۲ | | |
| عوامل اجتماعی- فرهنگی | SCF | ۰/۹۳۶ | ۰/۹۴۶ | ۰/۶۱۵ | ۰/۴۲۱ | ۰/۴۹۱ | ۰/۳۸۴ | ۰/۷۸۴ | |
| عوامل سیاسی- قانونی | PLF | ۰/۹۳۹ | ۰/۹۵۱ | ۰/۷۳۶ | ۰/۶۰۱ | ۰/۵۶۳ | ۰/۵۷۳ | ۰/۴۵۸ | ۰/۸۵۸ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از جدول ۱ مشخص است، مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در تمامی مؤلفه‌ها بزرگ‌تر از ۰/۷ است، بنابراین، پایایی پرسش‌نامه پژوهش مورد تأیید می‌باشد. همچنین مقدار AVE تمامی شاخص‌های پژوهش بالاتر از ۰/۵ است، بنابراین، روایی همگرای سؤالات پرسش‌نامه‌ها نیز مورد قبول می‌باشد.

برای بررسی روایی همگرا شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) محاسبه شد. روایی همگرا زمانی وجود دارد که پایایی ترکیبی از ۰/۷ و AVE از ۰/۵ بزرگ‌تر باشد. همچنین پایایی ترکیبی باید از AVE بزرگ‌تر باشد. در این صورت، شرط روایی همگرا وجود خواهد داشت. با توجه به جدول بالا، هر ۳ شرط فوق برقرار بوده، بنابراین شاخص‌های پرسش‌نامه از روایی همگرا برخوردارند.

چنانچه جذر میانگین واریانس استخراج شده (\sqrt{AVE}) برای یک متغیر بزرگتر از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها باشد، روایی تشخیصی برای آن متغیر وجود دارد. در جدول ۱، اعداد روی قطر اصلی جذر میانگین واریانس استخراج شده می باشد. در تحقیق حاضر برای آزمون فرضیات از مدل‌یابی معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار لیزرل (Lisrel) استفاده و مدل پژوهشی در نرم‌افزار PLS اجرا شد.

نتایج و بحث

ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌طور که مشخص است، سن اکثر پاسخ‌دهندگان (۵۰٪) ۳۰ تا ۴۰ سال است و کمترین آنها (۷/۶۳٪) بالای ۴۰ سال سن دارند. میزان تحصیلات اکثر پاسخ‌دهندگان (۶۸/۶۴٪) کارشناسی و کمترین آنها (۵/۹۳٪) دکتری است. در زمینه سابقه کاری، ۱۲/۷۱٪ افراد هیچ پاسخی نداده‌اند و سابقه کاری اکثر افراد (۴۷/۴۶٪) بین ۶ تا ۱۰ سال و کمترین آنها (۵/۹۳٪) بین ۱ تا ۵ سال است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری

| | زیر ۳۰ سال | ۳۰ تا ۴۰ سال | بالای ۴۰ سال |
|---------------|---------------|--------------|--------------|
| سن | ۵۰ (۴۲/۳۷٪) | ۵۹ (۵۰٪) | ۹ (۷/۶۳٪) |
| میزان تحصیلات | دیپلم | فوق دیپلم | کارشناسی |
| | ۴ (۳/۳۹٪) | ۹ (۷/۶۳٪) | ۸۱ (۶۸/۶۴٪) |
| | کارشناسی ارشد | دکتری | |
| | ۱۷ (۱۴/۴۱٪) | ۷ (۵/۹۳٪) | |
| سابقه کاری | ۱ تا ۵ سال | ۶ تا ۱۰ سال | ۱۱ تا ۱۵ سال |
| | ۷ (۵/۹۳٪) | ۵۶ (۴۷/۴۶٪) | ۱۸ (۱۵/۲۵٪) |
| | بی سابقه | بالای ۱۵ سال | |
| | ۱۵ (۱۲/۷۱٪) | ۲۲ (۱۸/۶۴٪) | |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول ۳، میانگین عوامل فردی برابر با ۳/۸۵، عوامل خانوادگی برابر با ۳/۲۵، عوامل اقتصادی - مالی برابر با ۲/۵۳، عوامل اجتماعی - فرهنگی برابر با ۳/۰۱ و عوامل سیاسی -

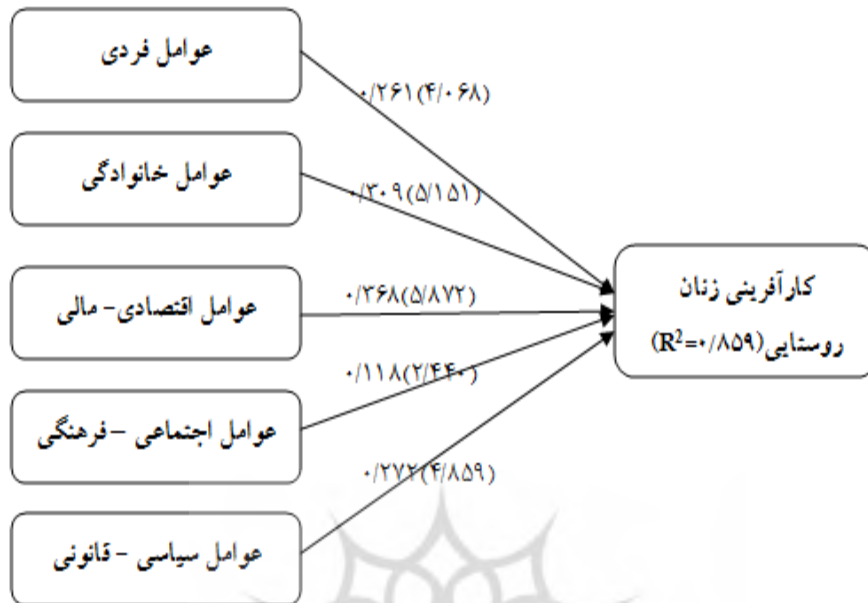
قانونی برابر با ۲/۶۴ می‌باشد. سطح معناداری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای تمامی مؤلفه‌های پژوهش به جز دو مؤلفه عوامل خانوادگی و عوامل سیاسی - قانونی، بزرگ‌تر از مقدار ۰/۰۵ است؛ در نتیجه تمامی مؤلفه‌های پژوهش به جز این دو مؤلفه، توزیع نرمال دارند. سطح معناداری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای دو مؤلفه عوامل خانوادگی و عوامل سیاسی - قانونی کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ است؛ در نتیجه، دو مؤلفه عوامل خانوادگی و عوامل سیاسی - قانونی توزیع غیر نرمال دارند.

جدول ۳. مقادیر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای مؤلفه‌های پژوهش

| مؤلفه‌ها | انحراف معیار \pm | میانگین | میان | مد | کمترین | بیشترین | آماره k-s | سطح معناداری |
|------------------------|--------------------|---------|------|------|--------|---------|-----------|--------------|
| عوامل فردی | $3/85 \pm 0/632$ | ۳/۹۳ | ۵ | ۲/۱۳ | ۵ | ۰/۸۶۸ | ۰/۴۳۹ | |
| عوامل خانوادگی | $3/25 \pm 0/803$ | ۳/۱۱ | ۴ | ۱/۷۵ | ۴/۸۹ | ۱/۴۹۳ | ۰/۰۲۳ | |
| عوامل اقتصادی - مالی | $2/53 \pm 0/695$ | ۲/۵۰ | ۲/۵۰ | ۱ | ۴ | ۱/۱۳۸ | ۰/۱۵۰ | |
| عوامل اجتماعی - فرهنگی | $3/01 \pm 0/672$ | ۳ | ۳ | ۱/۴۵ | ۴/۶۴ | ۰/۸۵۰ | ۰/۴۶۶ | |
| عوامل سیاسی - قانونی | $2/64 \pm 0/792$ | ۲/۴۲ | ۲ | ۱ | ۴/۵۷ | ۱/۵۰۴ | ۰/۰۲۲ | |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در ادامه، الگوی مفهومی پژوهش در قالب دیاگرام مسیر (شکل ۲) ترسیم و با استفاده از روش‌های مختلف، برازش آن سنجیده می‌شود. یک مدل کامل معادلات ساختاری در حقیقت بیانگر آمیزه‌ای از نمودار مسیر و تحلیل عاملی تأییدی است. در شکل ۲ ضرایب تخمین استاندارد و اعداد معنی‌داری مدل ساختاری پژوهش مشاهده می‌شود.



شکل ۲. ضرایب تخمین استاندارد و مقادیر معناداری (t-value) مدل ساختاری پژوهش

مقدار ملاک کلی برازش (GOF) برای مدل پژوهش مطابق با جدول ۴ برابر ۰/۷۶۷ محاسبه گردیده است که نشان از توان مناسب مدل در پیش‌بینی متغیرهای غیرمشهود درون‌زای مدل دارد.

جدول ۴. میزان **cummunality** و **R^۲** متغیرهای تحقیق برای سنجش نکویی برازش مدل

| متغیر | Cummunality | R ^۲ |
|------------------------|-------------|----------------|
| عوامل فردی | ۰/۵۶۷ | --- |
| عوامل خانوادگی | ۰/۷۳۲ | --- |
| عوامل اقتصادی-مالی | ۰/۶۹۲ | --- |
| عوامل اجتماعی-فرهنگی | ۰/۶۱۵ | --- |
| عوامل سیاسی-قانونی | ۰/۷۳۶ | --- |
| کارآفرینی زنان روستایی | ۰/۷۶۹ | ۰/۸۵۹ |
| میانگین | ۰/۶۸۵ | ۰/۸۵۹ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

$$GOF = \sqrt{\overline{communality} \times R^2} = \sqrt{0,685 \times 0,859} = 0,767$$

نتایج آزمون فرضیات

تأثیر و رتبه تأثیرگذاری عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی - مالی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی - قانونی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی (آزمون فرضیات ۱ تا ۵) در جدول ۵ ملاحظه می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیات

| رتبه | نتیجه آزمون | مقادیر معنی داری | ضریب | عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان | شماره فرضیه |
|------------|-------------|------------------|------------------|------------------------------|-------------|
| تأثیرگذاری | | (t-value) | مسیر (β) | روستایی | |
| ۴ | تأیید فرضیه | ۴/۰۶۸ | ۰/۲۶۱ | فردی | ۱ |
| ۲ | تأیید فرضیه | ۵/۱۵۱ | ۰/۳۰۹ | خانوادگی | ۲ |
| ۱ | تأیید فرضیه | ۵/۸۷۲ | ۰/۳۶۸ | اقتصادی- مالی | ۳ |
| ۵ | تأیید فرضیه | ۲/۴۴۰ | ۰/۱۱۸ | اجتماعی - فرهنگی | ۴ |
| ۳ | تأیید فرضیه | ۴/۸۵۹ | ۰/۲۷۲ | سیاسی - قانونی | ۵ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

فرضیه اول: عوامل فردی تأثیر معناداری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی دارد.

مطابق با جدول ۵، مقدار معناداری بین متغیر عوامل فردی و کارآفرینی زنان روستایی برابر ۴/۰۶۸ می‌باشد که بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ و نشان‌دهنده این است که ارتباط میان عوامل فردی و کارآفرینی زنان روستایی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. ضریب مسیر میان این دو متغیر برابر ۰/۲۶۱ است که میزان اثرگذاری متغیر عوامل فردی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی را نشان می‌دهد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. همچنین با توجه به ستون ضرایب مسیر مشخص می‌شود که متغیر عوامل فردی از لحاظ تأثیرگذاری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی در رتبه چهارم قرار دارد که این نتیجه با نتایج مطالعه عبدی (Abdi, 2014) و یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳)، راسخی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد و نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی و فردی

از لحاظ تأثیرگذاری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی اهمیت خیلی بالایی ندارد و دیگر اینکه این زنان کارآفرین اگر از یکسری ویژگی‌های ابتدایی در حد آشنایی با فعالیت های کارآفرینی برخوردار باشند، برای اداره فعالیت ها و موفقیت در کارآفرینی کفایت می کند و اگر از سطح کارآفرینی متوسطی هم برخوردار باشند می توانند با ایجاد زمینه های لازم و شرایط مناسب موفق باشند.

فرضیه دوم: عوامل خانوادگی تأثیر معناداری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی دارد.

مطابق با جدول ۵، مقدار معناداری بین متغیر عوامل خانوادگی و کارآفرینی زنان روستایی برابر ۵/۱۵۱ می باشد که بزرگتر از ۱/۹۶ و نشان دهنده این است که ارتباط میان عوامل خانوادگی و کارآفرینی زنان روستایی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. ضریب مسیر میان این دو متغیر برابر ۰/۳۰۹ است که میزان اثرگذاری متغیر عوامل خانوادگی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی را نشان می دهد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش تأیید می شود. همچنین با توجه به ستون ضرایب مسیر مشخص می شود که متغیر عوامل خانوادگی از لحاظ تأثیرگذاری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی در رتبه دوم قرار دارد که مشابه این نتیجه در پژوهش یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳) مشاهده گردید. این نتایج نشان می دهد که عوامل خانوادگی می تواند تأثیر قابل ملاحظه و زیادی در موفقیت کارآفرینی زنان روستایی داشته باشد به طوری که اگر مواردی مانند تقسیم وظایف بین اعضای خانواده، میزان کمک کردن همسر و فرزندان در امور خانواده، برقراری تعادل بین کار و زندگی و میزان کمک های اجرایی و عملیاتی خانواده به نحو مطلوب انجام گردد به نحوی که زمینه مشارکت زنان را در فعالیت های کارآفرینی به خوبی فراهم کند و نوعی استقلال و هویت به آنان ببخشد باعث موفقیت زنان کارآفرینی روستایی می شود و هر چه میزان حمایت و همکاری از طرف خانواده بیشتر باشد، میزان موفقیت در امور کارآفرینی افزایش می یابد.

فرضیه سوم: عوامل اقتصادی- مالی تأثیر معناداری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی دارد.

مطابق با جدول ۵، مقدار معناداری بین متغیر عوامل اقتصادی- مالی و کارآفرینی زنان روستایی برابر ۵/۸۷۲ می باشد که بزرگتر از ۱/۹۶ و نشان دهنده این است که ارتباط میان عوامل

اقتصادی- مالی و کارآفرینی زنان روستایی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. ضریب مسیر میان این دو متغیر برابر ۰/۳۶۸ است که میزان اثرگذاری متغیر عوامل اقتصادی- مالی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی را نشان می‌دهد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. همچنین با توجه به ستون ضرایب مسیر مشخص می‌شود که متغیر عوامل اقتصادی- مالی از لحاظ تأثیرگذاری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی در رتبه اول قرار دارد که با یافته‌های مطالعه عبدی (Abdi, 2014)، طوسی و همکاران (Toosi et al., 2015)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) و یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان دهنده این است که بیشترین تأثیر عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی، مربوط به عوامل اقتصادی - مالی می‌باشد؛ زیرا در فعالیت های کارآفرینی، ساختار بخش مالی و تحقق سیاست‌های پولی مستقیماً تأثیرگذار است. برای ایجاد فرصت‌های شغلی بهتر برای زنان روستایی در فعالیتهای کارآفرینی و اقتصادی باید در راستای تشویق سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال و تسهیل شرایط قابل تحمل برای توسعه اقتصادی در روستاها قدم برداشت. چنانچه شرایط اقتصادی - مالی برای زنان کارآفرینی روستایی به خوبی تحقق یابد، اشتغال و درآمد زایی افزایش و به دنبال آن فقر و بیکاری در روستاها کاهش می‌یابد. پس توجه به این عامل ضروری و حیاتی برای موفقیت کارآفرینی زنان روستایی حائز اهمیت است.

فرضیه چهارم: عوامل اجتماعی- فرهنگی تأثیر معناداری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی دارد.

مطابق با جدول ۵، مقدار معناداری بین متغیر عوامل اجتماعی- فرهنگی و کارآفرینی زنان روستایی برابر ۲/۴۴۰ می‌باشد که بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ و نشان‌دهنده این است که ارتباط میان عوامل اجتماعی- فرهنگی و کارآفرینی زنان روستایی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. ضریب مسیر میان این دو متغیر برابر ۰/۱۱۸ است که میزان اثرگذاری عوامل اجتماعی- فرهنگی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی را نشان می‌دهد. بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود. همچنین با توجه به ستون ضرایب مسیر مشخص می‌شود که متغیر عوامل اجتماعی- فرهنگی از لحاظ تأثیرگذاری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی در رتبه پنجم قرار دارد که این نتیجه مطابق با

یافته‌های مطالعه قاسمی و همکاران (۱۳۹۲)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳)، راسخی و همکاران (۱۳۹۵)، عبدی (Abdi, 2014) و طوسی و همکاران (Toosi et al., 2015) می‌باشد. مطابق نتایج، اگرچه افزایش آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات محیط پیرامون از نیازهای زنان محسوب می‌شود و آنها به فعالیت‌های کارآفرینی در روستا به عنوان عاملی در جهت تعامل اجتماعی نگاه می‌کنند و خواستار ارتباطات اجتماعی و دنبال فرهنگی هستند که روحیه فعالیت‌های گروهی، اعتماد به نفس و امید به زندگی را افزایش دهد، ولی این عامل در رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی در رتبه آخر قرار دارد و دارای اهمیت بالایی نیست.

فرضیه پنجم: عوامل سیاسی - قانونی تأثیر معناداری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی دارد.

مطابق با جدول ۵، مقدار معناداری بین متغیر عوامل سیاسی - قانونی و کارآفرینی زنان روستایی برابر ۴/۸۵۹ می‌باشد که بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و نشان‌دهنده این است که ارتباط میان عوامل سیاسی - قانونی و کارآفرینی زنان روستایی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. ضریب مسیر میان این دو متغیر برابر ۰/۲۷۲ است که میزان اثرگذاری متغیر عوامل سیاسی - قانونی بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی را نشان می‌دهد. بنابراین، فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌شود. همچنین با توجه به ستون ضرایب مسیر مشخص می‌شود که متغیر عوامل سیاسی - قانونی از لحاظ تأثیرگذاری بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی در رتبه سوم قرار دارد که در راستای پژوهش عبدی (Abdi, 2016) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) می‌باشد. نتایج بررسی‌های آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که در موفقیت کارآفرینی زنان روستایی عوامل سیاسی - قانونی از جمله قوانین ناظر بر اشتغال زنان و نقش سیاست‌های حمایتی دولت از زنان کارآفرین روستایی تأثیر زیادی دارد، چرا که اگر در جامعه‌ای برای انجام فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی، قوانین حمایتی وجود داشته باشد و زنان از حقوق مساوی نسبت به مردان برخوردار باشند، زمینه برای مشارکت سیاسی زنان همپای مردان فراهم می‌گردد و همین امر باعث موفقیت زنان می‌شود.

جمع‌بندی و پیشنهادها

با توجه به اهمیت نقش زنان در توسعه کشور، در این پژوهش به شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال استان تهران پرداخته شد. این عوامل به ترتیب تأثیرگذاری و اهمیتشان عبارت بودند از: اقتصادی - مالی، خانوادگی، سیاسی - قانونی، فردی و اجتماعی - فرهنگی. لذا چنانچه در درجه اول، امکانات مورد نیاز، به خصوص منابع مالی و امکانات موجود در زمینه های جذب سرمایه های لازم برای گسترش حوزه فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی از سطح گسترده‌ای برخوردار باشد و سپس حمایت خانوادگی و کمک‌های اجرایی و عملیاتی خانواده در سطح بالایی باشد و آنگاه کمک و حمایت‌های دولت تقویت شود و قوانین حمایتی از زنان کارآفرینی در جامعه به نحو خوبی اعمال گردد و حقوق زنان مورد احترام قرار گیرد، موفقیت زنان کارآفرین روستایی به قوع خواهد پیوست. البته در این راستا، توجه به عوامل فردی و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین و عوامل اجتماعی - فرهنگی آنان و ظهورشان در جامعه روستایی هم مطرح می‌شود که در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند و تأثیر آنچنانی روی موفقیت این زنان ندارند. با توجه به رتبه‌بندی صورت گرفته و بررسی تأثیر عوامل موردنظر بر اساس رتبه‌ای که به دست آوردند می‌توان زنان کارآفرین روستایی را جهت رسیدن به موفقیت مورد نظر راهنمایی و هدایت کرد.

در ادامه، برپایه یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی در قالب ۵ عامل مورد مطالعه ارائه می‌شود:

۱. عوامل اقتصادی - مالی

- افزایش میزان حمایت‌های مالی دولت و پشتیبانی از زنان در روستاهای مذکور در قالب اعطای وام‌های بلندمدت با کمترین سود
- بهبود فضای کسب و کار به ویژه کسب و کارهای مرتبط با زنان روستاهای مورد مطالعه
- فرهنگ‌سازی با استفاده از رسانه‌های اجتماعی در راستای تغییر نگرش جامعه نسبت به توانمندی زنان روستاهای مورد مطالعه در فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت بیشتر آنان در فعالیت‌های کارآفرینی

۲. عوامل خانوادگی

- افزایش توجه به کارآفرینی زنان روستایی به عنوان الگوهای مروجان پویای دگرگونی‌های اجتماعی و خانوادگی
- آموزش مهارت‌های توازن کار و زندگی با بهره‌گیری از آموزه‌های حوزه مهارت‌های زندگی به زنان کارآفرین روستایی به ویژه روستاهای مورد مطالعه

۳. عوامل سیاسی - قانونی

- اهتمام ورزیدن نهادها و مؤسسات مرتبط، به منظور تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانین تسهیل‌کننده و حامی فعالیت‌های زنان روستایی (به ویژه روستاهای مورد مطالعه)

۴. عوامل فردی

- برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مرتبط با کسب و کار زنان به منظور ارتقای سطح آگاهی و دانش کارآفرینی زنان روستایی با ارائه راهکارهای جدید مشاغل روستایی در روستاهای مورد تحقیق
- در نظر گرفتن مشوق‌هایی برای زنان کارآفرین روستایی موفق جهت بالا بردن انگیزه برای بقیه زنان

۵. عوامل اجتماعی - فرهنگی

- توجه به آموزش و ارتقای سطح شهروندی به ویژه حقوق زنان در روستاهای مورد تحقیق
- مهیا کردن زیرساخت‌ها (دسترسی به منابع اطلاعاتی، شبکه‌های اجتماعی، دانش نوین کسب و کار، عوامل سخت افزاری مانند آب و برق و غیره) و بهبود و ارتقای سطح دسترسی زنان به این زیرساخت‌ها جهت راه اندازی کسب و کار
- الگوبرداری و بومی سازی از زنان کارآفرین منطقه ای - ملی و فراملی

منابع

- آقا رفیعی، د. و وزیر هشی، ف. (۱۳۹۴). نگاه اسلام اعتدالی به ارتباطات انسانی زنان در تطابق با سایر دیدگاه‌ها؛ بررسی تأثیرات ارتباطات میان فردی زنان بر توسعه. کتابچه دومین همایش ملی اعتدال زنان، اعتدال و توسعه. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران.
- افتخاری، ع. ر.، طاهرخانی، م. و سجاسی قیداری، ح. (۱۳۸۸). تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی. *روستا و توسعه*، (۱۲) ۳، ۴۱-۷۲.
- حسام، م.، نجفی کانی، ع. ا. و آشور، ح. (۱۳۹۴). سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، (۱۱) ۴، ۳۷-۵۶.
- حسینی، م. ح. و دولتی، م. (۱۳۹۶). *شناسایی و اولویت بندی فرصت های کارآفرینانه در صنعت گردشگری استان لرستان*. کنفرانس بین المللی فرصت های سرمایه گذاری در لرستان، فروردین و اردیبهشت، لرستان.
- حمایتی کلش، س. (۱۳۸۹). *مطالعه و بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان (اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران)*. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- خباززاده، ن. (۱۳۹۰). جایگاه زنان روستایی و موانع مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه. *ماهنامه دهیاری‌ها*، شماره ۳۳، ص ۱۲.
- راسخی، ب.، قمبر علی، ر. و علی بیگی، ا. ح. (۱۳۹۵). بررسی نقش شایستگی ها و عوامل محیطی بر موفقیت کارآفرینان روستایی شهرستان کرمانشاه. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۲-۴۷، شماره ۲، ۵۲۱-۵۳۲.
- رفعتی، ش. (۱۳۹۵). کارآفرینی فرهنگی "کنکاشی اقتصادی در سینمای ایران و آمریکا". *فصلنامه شناخت کارآفرینی*، شماره ۲ (ویژه نوروز)، ص ۳۵.

روشن نیا، د.، خادمی، ر.، کردی، ل. و صلحی فام اصل، ژ. (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آن. *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی*، شماره ۱۹۰، ۸۲-۹۸.

زارعی، ی. (۱۳۹۵). سنجش برخی شاخص‌های توسعه اجتماعی در مناطق روستایی: مورد مطالعه، استان هرمزگان. *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷(۲۸)، ۱۹۳-۲۳۰.

سارانی، ا. و حیدری مکرر، ح. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان در مناطق روستایی. *مجموعه مقالات همایش ملی عمران و معماری با رویکردی بر توسعه پایدار*. فومن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فومن و شفت.

سلطانی، ا. (۱۳۹۵). نقش مربیگری در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی. *فصلنامه شاخص کارآفرینی*، ۲(۱)، ۱۲-۲۰.

فقیری، م.، زرافشانی، ک. و علی بیگی، ا. ح. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۷(۳)، ۱-۲۲.

قاسمی، س. ع.، ممیز، آ. و قاسمی، س. ف. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان، رشد فناوری. *فصلنامه تخصصی پارکها و مراکز رشد*، ۹(۳۵)، ۱۵-۲۲.

گلرد، پ. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. *پژوهش زنان*، ۳(۱)، ۱۰۱-۱۲۳.

منصوری، آ. (۱۳۹۴). *زنان، اعتدال، سیاست‌ورزی و مشارکت در عرصه‌های مدیریتی*. کتابچه دومین همایش ملی اعتدال زنان، اعتدال و توسعه. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران.

میرترابی، م. و حجازی، ی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی. *مجموعه مقالات دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی*. دانشگاه بوعلی سینا، ۱۵ و ۱۶ تیر. همدان.

نوروزی، ف. و زمانی، م. (۱۳۹۴). *ارتقای زنان در عرصه های مدیریتی، اعتدال و توسعه*. کتابچه دومین همایش ملی اعتدال زنان، اعتدال و توسعه. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران.

هیوویتاکر، د.، بایوسیر، پ.، موموس، س.، موریشیتا، ت.، کوئینس، ت. و هیگوچی، ج. (۱۳۹۳). *کارآفرینی تطبیقی*. ترجمه سید مصطفی رضوی، نگین فلاح حقیقی و مرتضی جعفرزاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

یعقوبی فرانی، ا. و سلیمانی، ع. و موحدی، ر. (۱۳۹۳). *تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی*. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۲(۴)، ۷-۴۲.

یداللهی فارسی، ج. (۱۳۹۵). *دانشنامه نظریات کارآفرینی*. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۵۱۳-۵۱۴.

یعقوبی فرانی، ا. و سلیمانی، ع. (۱۳۹۴). *تأثیر ویژگی های شخصیتی بر موفقیت زنان روستایی کارآفرین در استان همدان، زن در توسعه و سیاست*، ۱۳(۱)، ۱۱۳-۱۳۰.

Abdi, I. F. (2014). Factors influencing women participation in entrepreneurial activities in Mandera Township. Mandera Central Division. Kenya. Reg. No: L50/73402/2012. Retrieved from erepository.uonbi.ac.ke/.../Farah_Factors.

Boz, A., & Ergeneli, A. (2014). *Women entrepreneurs' personality characteristics and parents' parenting style profile in Turkey*. Elsevier, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 109, 92 – 97.

Bruce, R., Barringer, R., & Duance, I. (2011). *Entrepreneurship, Successfully launching new ventures*. Pearson/Prentice Hall, 2012- Business and Economics-563 pages.

- Markatou, M. (2015). *Incentives to promote entrepreneurship in Greece: results based on the new innovative entrepreneurship*. Program, Elsevier, World Conference on Technology, Innovation and Entrepreneurship.
- Siri Roland, X., Syed Zamberi, A., Leilanie, M. N., & Mohar, Y. (2012). *Women Entrepreneurs: making a change from employment to small and medium business ownership, elsevier*. International Conference on Small and Medium Enterprises Development with a Theme (ICSMED)
- Tabatabaei, F., & Jafari, M. (2013). The study of the effect of information sources on the entrepreneurial spirit of rural women (A case study: Zabol, Iran). *International Journal of Agriculture and Crop Sciences*, ISSN 2227-670X ©2013, 1993-1996.
- Toosi, R., Jamshidi, A., & Taghdisi, A. (2015). Affecting factors in rural entrepreneurship (Case Study: Rural Areas of Minodasht County). *Journal of Research and Rural Planning*, 3(8),1-11.
- Yadav, V., & Unni, J. (2016). Women entrepreneurship: research review and future directions. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, (2016), 6-12.

Investigating the Effective Factors on the Success of Rural Women Entrepreneurship Member of Women's Rural Cooperatives in the North of Tehran Province

M. Hosseini¹, M. Dolati^{2}, M. Parpanji³*

Received: Mar 17, 2018 Accepted: Aug 14, 2018

Abstract

The main purpose of this research was to investigate the factors affecting the entrepreneurship success of rural women in North of Tehran province. The statistical population of this research was rural women, s cooperatives in North of Tehran province who were surveyed in 118 census cases. This research was conducted through a survey method and using a questionnaire tool. The validity of the research instrument was evaluated using the views of ten professors of Payame Noor University in Tehran and experts. The reliability of the tool was also calculated by calculating the Cronbach Alpha coefficient, which was calculated in different parts of the questionnaire equal to and above 0.812. Findings of the research show that there is a significant relationship between individual, family, economic-financial, social -cultural and political-legal factors with the success of rural women's entrepreneurship, which among these factors, the most important factor in the success of rural women entrepreneurship research is economic and financial factors.

Keywords: Women, Entrepreneurship, Rural Entrepreneurship, Rural Women Cooperatives, Effective Factors on Entrepreneurship Success, North of Tehran Province

1. Professor, Department of Business Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. PhD Student, Department of Entrepreneurship Higher Education, Research and Science Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author

Lssi.training@gmail.com

3. PhD student, Department of Entrepreneurship Higher Education, Research and Science Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran